

# پژوهش‌های حقوقی

## شماره ۱۸

هزار و سیصد و هشتاد و نه - نیمسال دوم

### مقالات

- تأملی بر گستره محکومیت‌های مؤثر کیفری و نوع تأثیر آنها
- حقوق دفاعی متهم در هیأت‌های رسیدگی به تخلفات اداری
- تمیز خوانده دعوا
- تحلیل حقوقی حمایت‌های درمانی سازمان تأمین اجتماعی
- موضوع ویژه: حق شهروندان به برخورداری از محیط زیست سالم با تأکید بر مسأله آلودگی کلان‌شهرهای ایران
- پایش حمل‌ونقل شهری و کاهش آلودگی هوا: مطلوب زیست‌محیطی کلان‌شهرها
- تعهد به همکاری بین‌المللی در مقابله با هجوم ریزگردها به ایران
- مقابله با آلودگی‌های ناشی از امواج الکترومغناطیسی در کلان‌شهرها
- آلودگی هوای تهران و حق شهروندان بر محیط زیست سالم
- تأثیر نظام حقوق مالکیت فکری بر آلودگی کلان‌شهرها
- نفع عمومی در دعاوی زیست‌محیطی: رویه دادگاه‌های منطقه‌ای حقوق بشر و محاکم ملی
- حق برخورداری از محیط زیست سالم در دام گرمایش جهانی: اجلاس کنکان مکزیک (۲۰۱۰)
- حق برخورداری از محیط زیست سالم در حقوق فرانسه
- نقد و معرفی
- گروه منفعت اقتصادی در قانون برنامه پنجم توسعه





## تمیز خواننده دعوا

سعید صفیان\*

**چکیده:** در دعاوی حقوقی، خواهان، باید خواننده دعوا را مشخص سازد. مطابق بند ۲ ماده ۵۱ قانون آیین دادرسی مدنی، یکی از شرایط دادخواست، تعیین خواننده است و چنانچه خواهان در این زمینه اشتباه کند، بر اساس بند ۴ ماده ۸۴ قانون مزبور، دعوایش در دادگاه رسیدگی نخواهد شد. با این وصف، تمیز خواننده دعوا، دارای معیارهای خاصی است. در این مقاله، با استقراء در مقررات قانونی و رویه عملی دادگاهها، این معیارها شناسایی و مختصراً تشریح گردیده است.

**کلیدواژه‌ها:** آیین دادرسی مدنی، دعوا، خواننده، قرار عدم استماع دعوا، رویه قضایی

### مقدمه

تعیین خواننده در دادخواست، یکی از مهم‌ترین و حساس‌ترین امور در تنظیم دادخواست است.<sup>۱</sup> در واقع، تمیز اینکه دادخواست باید به طرفیت چه کسی تقدیم دادگاه گردد، از جمله وظایف خواهان است و چنانچه او در این زمینه مرتکب اشتباه شود، دعوایش در دادگاه رسیدگی نخواهد شد. به عبارت دیگر، هرچند دادگاه تابع عنوان خواسته است و باید درباره هرآنچه خواهان می‌خواهد، اثباتاً و نفیاً اظهار نظر نماید، اما، خواهان در اینکه خواسته خود را از چه کسی مطالبه کند، آزاد نیست و باید دادخواستش را با قید انحصار، علیه کسی ثبت کند که قانوناً طرف دعوا شناخته می‌شود. مطابق بند ۲ ماده ۵۱ قانون آیین

\* وکیل پایه یک دادگستری

۱. عبدالله شمس، آیین دادرسی مدنی، جلد دوم، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۱، ص ۳۲.

دادرسی مدنی، خواهان ملزم است خواننده دعوا را مشخص سازد و به موجب بند ۴ ماده ۸۴ این قانون، خواننده می‌تواند چنانچه دعوا را متوجه خود نداند (یعنی تشخیص خواهان را خطا بداند) ضمن پاسخ به ماهیت دعوا، به این موضوع ایراد کند. از آنجا که ایراد عدم توجه دعوا، بدون اعتراض خواننده نیز باید مد نظر قرار گیرد<sup>۲</sup> دادگاه مکلف است حتی در حالت سکوت خواننده، قبل از ورود در ماهیت دعوا، بر تشخیص خواهان در این خصوص نظارت کند و چنانچه انتخاب خواهان صحیح نباشد، قرار عدم استماع دعوی وی را صادر نماید.<sup>۳</sup> بر اساس قاعده طرف واقعی دعوا،<sup>۴</sup> خواننده، الزاماً کسی است که در خواسته و نتیجه دعوا، ذینفع<sup>۵</sup> است.<sup>۶</sup> در واقع، ذینفعی طرفین، معیار اصلی تمیز اصحاب دعوا و از جمله خواننده است.<sup>۷</sup> این خصوصیت، بلااستثناء در تمام دعاوی باید محرز گردد. مع هذا، با حفظ عنصر ذینفعی، معیارهای دیگری هم برای تمیز خواننده دعوا وجود دارد که در نوع خود دارای اهمیت است و البته بعضی از آنها در تمام دعاوی تکرار نمی‌شود. به عقیده برخی از حقوقدانان، کسی می‌تواند طرف دعوا واقع شود که دارای صفت خاصه مدعی باشد و اشخاصی دارای این صفت هستند که اقرار آنها مؤثر در دعوا است و این اشخاص، در صورت انکار دعوا، طرف شناخته شده و ممکن است قانوناً بر آنها اقامه دعوا نمود.<sup>۸</sup>

در فقه امامیه نیز، یکی از شرایطی که بعضی از فقها در رسیدگی به دعوا معتبر دانسته‌اند، تعیین مدعی علیه است. به عقیده این فقها، اگر کسی علیه چند نفر دعوایی اقامه کند و مدعی علیه را معین نسازد، چنین دعوایی قابلیت استماع ندارد.<sup>۹</sup> مرجع توجه دعوا هم الزام شخص به خواسته، وضعاً و تکلیفاً دانسته شده است.<sup>۱۰</sup>

هدف ما در این مقاله، شناسایی و تحلیل معیارهای تمیز خواننده دعوا، با تأکید بر رویه

۲. احمد متین‌دفتری، آیین دادرسی مدنی، جلد دوم، تهران، انتشارات مجد، ۱۳۷۸، ص ۲۱۲؛ محمدرضا کامیار، گزیده آراء دادگاههای حقوقی، جلد سوم، تهران، نشر حقوقدان، ۱۳۷۶، ص ۴۲.

۳. عبدالله شمس، آیین دادرسی مدنی، جلد دوم، ص ۳۲. در حکم شماره ۲۸۸-۱۳۲۳/۲/۲۵-شعبه چهارم دیوان عالی کشور می‌خوانیم: «لازمه استدلال دادگاه بر اینکه طرف دعوا موجر نیز بوده و باید به طرفیت او هم طرح دعوا شده باشد، صدور قرار عدم استماع دعوا است، نه حکم به بطلان آن» (احمد متین، مجموعه رویه قضایی، قسمت حقوقی، از سال ۱۳۱۱ تا ۱۳۳۵، ص ۳۳).

4. proper party

5. beneficiary

6. Henry Campbell Black, *Black's Law Dictionary*, West Publishing Co., 1990, p. 1216.

7. Jean Vincent & Serge Guinchard, *Procédure civile*, Paris, Dalloz, 25 ed, 1999, p. 468.

۸. احمد متین‌دفتری، آیین دادرسی مدنی، جلد دوم، ص ۲۱۵؛ سیدمحسن صدرزاده افشار، آیین دادرسی مدنی و بازرگانی، تهران، نشر جهاد دانشگاهی، ۱۳۷۲، ص ۳۳۱؛ محمدجواد بهشتی و نادر مردانی، آیین دادرسی مدنی، جلد دوم، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۵، صص ۲۵۷-۲۵۶.

۹. محمد سنگلجی، آیین دادرسی در اسلام، قزوین، انتشارات طه، ۱۳۶۹، ص ۹۶.

۱۰. آقا ضیاءالدین عراقی، کتاب القضاء، قم، دفتر نشر اسلامی، ۱۴۱۴ هـ.ق، ص ۱۱۹.

قضایی محاکم ایران است. با مطالعه حدود<sup>۱۱</sup> نود نوع دعوی حقوقی رایج، ما به نه (۹) معیار تشخیص خواننده دعوا دست یافته‌ایم. در میان این معیارهای نه‌گانه و دسته‌بندی آنها، پاره‌ای از این معیارها لزوماً در تمام دعوی وجود دارد، اما، برخی دیگر از آنها مشترک بین تمام دعوی نبوده و هر کدام اختصاص به دعوی خاصی دارد. در اینجا، به طور جداگانه معیارهای مورد نظر را مطالعه می‌کنیم.

## ۱- تعیین خواننده توسط قانونگذار

در بعضی مواقع، قانونگذار رسماً خواننده یا خوانندگان دعوی را مشخص ساخته است. در این صورت، خواهان ملزم است دعوی مورد نظر را مشخصاً علیه خواننده یا خواندگانی اقامه کند که قانونگذار از آنها نام برده است. لزوم طرح دعوا علیه مزاحم بعد از قبض عین مستأجره، در صورتی که مزاحم ادعای حقی نسبت به عین و منافع نداشته باشد (ماده ۴۸۸ قانون مدنی)<sup>۱۲</sup>؛ لزوم طرح دعوا علیه مالک و مستاجر توسط مدعی حقی نسبت به عین مستأجره (ماده ۴۸۹ قانون مدنی)<sup>۱۳</sup>؛ لزوم طرح دعوا بر میت، اعم دین یا عین به طرفیت

۱۱. به موجب دستورالعمل شماره ۱/۸۷/۸۴۲۳ مورخ ۱۳۸۷/۱۰/۱ رییس قوه قضاییه، تعداد ۸۸ نوع دعوی حقوقی شناسایی و اعلام گردیده است (مجموعه قوانین سال ۱۳۸۷، روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران، شماره ۸۹۳، صص ۲۰۹۴-۲۰۹۰).

۱۲. به موجب رأی اصراری شماره ۸۱۲-۱۳۱۲/۶۳۰-هیأت عمومی دیوان عالی کشور: «مقصود از ماده ۴۸۸ قانون مدنی این نیست که اگر شخص ثالث مدعی حقی در عین مستأجره باشد، به هیچ وجه حق مراجعه به مزاحم برای تصرف عین و مطالبه عوض منافع نداشته باشد و ماده مزبور چنین مفهومی ندارد و مطابق مواد راجعه به غصب و اتلاف و اصول کلی، در موردی که اجاره و استیجار صحیحاً واقع شده و مستاجر ذیحق در تصرف عین و منافع باشد، می‌تواند به هرکس که مزاحم این حق بوده و منافع را استیفاء یا تلف کرده، رجوع نماید» (احمد متین، مجموعه رویه قضایی، قسمت حقوقی، از سال ۱۳۱۱ تا ۱۳۳۵، ص ۲۰).

۱۳. شعبه بیست‌ویکم دیوان عالی کشور طی حکم شماره ۲۱/۳۸-۱۳۶۹/۵/۹-۱۳۶۹/۵/۹ به استناد ماده ۴۸۹ قانون مدنی، قرار عدم استماع دعوی دادگاه حقوقی یک اهواز را نتیجتاً به این شرح تأیید کرده است: «مندرجات سند رسمی شماره ۱۳۶۹/۵/۹-۱۳۶۹/۵/۹-۱۳۶۹/۵/۹ دفترخانه ۱۳۷ تهران و صورتجلسه مورخ ۱۳۶۵/۳/۱۲ و نامه شماره ۱۰/۱۶۵۴-۱۳۶۸/۳/۳۰ سازمان تأمین اجتماعی حاکی است وزارت کشاورزی زمینی به مساحت ۷۳۰ هکتار طی اجاره‌نامه شماره ۹۸۸۷-۱۳۵۴/۸/۱۵-دفترخانه ۱۳۷ تهران به سازمان تأمین اجتماعی اجاره داده که سازمان تأمین اجتماعی آن را جهت اجرای طرح خانه‌سازی در اختیار شرکت خانه‌سازی ایران قرار داده است. چون، اداره کل زمین‌شهری استان خوزستان مدعی است مساحت چهل هزار متر مربع اراضی متصرفی شرکت، جزء پلاکهای ۱۱/۱۷ و ۱۲/۱ بخش شوشتر، ملکی زمین‌شهری است، مستفاد از ماده ۴۸۹ قانون مدنی، باید دعوی لازم به طرفیت موجر و مستاجر و متصرف از طرف آنها، یعنی وزارت کشاورزی و سازمان تأمین اجتماعی و شرکت خانه‌سازی ایران با مسؤولیت محدود، اقامه شود» (بدالله بازگیر، قانون مدنی در آئینه آراء دیوان عالی کشور (صلح و اجاره)، تهران، انتشارات فردوسی، ۱۳۷۹، ص ۲۵۳). در حکم شماره ۱۸۸۱-۱۳۲۶/۱۲/۹-شعبه اول

ورثه (ماده ۲۳۲ قانون امور حسبی)؛<sup>۱۴</sup> لزوم طرح دعوا به طرفیت ورثه در فرض محرز نبودن طلب متوفی از مدیون (ماده ۲۳۶ قانون امور حسبی)؛ لزوم طرح دعوا به طرفیت وصی و ورثه در صورتی که برای ادای دیون متوفی وصی تعیین گردیده باشد (ماده ۲۳۷ قانون مدنی)؛ لزوم طرح دعوای اثبات دین در مورد ترکه متوفای بلا وارث به طرفیت مدیر ترکه (ماده ۲۳۸ قانون امور حسبی)؛ لزوم طرح دعوای مربوط به ورشکسته (اعم از منقول یا غیرمنقول) به طرفیت مدیر تصفیه (ماده ۴۱۹ قانون تجارت)؛ لزوم طرح دعوا علیه اداره تصفیه امور ورشکستگی، در صورتی که خواهان مدعی باشد طلب او بی‌مورد رد شده و یا حق رهن و رجحان او منظور نشده است؛ لزوم طرح دعوا علیه بستانکار، در صورتی که خواهان به طلب یا حق رجحان بستانکار معترض باشد (ماده ۳۶ قانون تصفیه امور

دیوان عالی کشور آمده است: «هرگاه نزاع در مالکیت و وقفیت بوده و خوانده خود را مستأجر وقف بداند طبق ماده ۴۸۹ قانون مدنی، باید اقامه دعوا به طرفیت موجر و مستأجر شده و به اصل دعوای مالکیت و وقفیت رسیدگی به عمل آید» (احمد متین، مجموعه رویه قضایی، قسمت حقوقی، از سال ۱۳۱۱ تا ۱۳۳۵، ص ۳۱۴). حکم شماره ۱۳۶۵-۱۳۰۸/۱۰/۷-دیوان عالی کشور نیز در همین زمینه چنین است: «مطابق ماده ۴۸۹ قانون مدنی، انتزاع عین مستأجره از مستأجر، موقوف بر اثبات حقی است نسبت به آن عین در مقابل مالک و مستأجر» (محمد بروجردی عبده، اصول قضایی - حقوقی، قسمت اول، بی‌نا، بی‌تا، ص ۸۲). در حکم شماره ۶۸۶۶-۱۳۱۰/۳/۱۲-دیوان عالی کشور هم، چنین می‌خوانیم: «مطابق ماده ۴۸۹ قانون مدنی در مورد دعوا حقی نسبت به عین مستأجره یا منافع باید اثبات حق با طرفیت مالک و مستأجر هر دو، به عمل آید و این ماده مخصوص به صورتی است که مدعی حق یا منافع بخواهد عین را از ید مستأجر انتزاع نماید و شامل موردی که فقط عایدات ملک مورد مطالبه واقع شده باشد، نیست» (محمد بروجردی عبده، اصول قضایی - حقوقی، قسمت اول، بی‌نا، بی‌تا، ص ۸۳). شعبه سوم دیوان عالی کشور در حکم شماره ۸۰۰-۱۳۲۰/۳/۳۱-چنین اشعار داشته است: «بر حسب مستفاد از عنوان کلی ماده ۴۸۹ قانون مدنی، در هر موردی که ادعای بر عین و منفعت تحقق پیدا کند، جایز نیست که رسیدگی تنها به طرفیت مستأجر از غیر صورت گیرد، بلکه دخالت موجر نیز لازم است تا با مراعات پاسخ او و متصرف هر دو، حقیقت امر مکشوف شود» (سیدمحمدرضا حسینی، قانون مدنی در رویه قضایی، تهران، انتشارات مجد، ۱۳۷۹، ص ۱۳۶۴). و در نهایت در حکم شماره ۱۳۰۳-۱۳۲۶/۸/۶-شعبه ششم دیوان عالی کشور چنین اظهار نظر شده است: «بر طبق ماده ۴۸۹ قانون مدنی، هرگاه شخصی که نسبت به مستأجر ملکی مزاحمت دارد مدعی حقی نسبت به عین مستأجره یا منافع آن باشد، مزاحم نمی‌تواند عین مزبور را از ید مستأجر انتزاع کند مگر بعد از اثبات حق به طرفیت مالک و مستأجر، بنابراین، اگر مزاحم انتزاع ملک را نخواهد و فقط اختلاف در منافع باشد، این مورد مشمول آن نخواهد بود» (سیدمحمدرضا حسینی، پیشین، ص ۱۳۶۴). برای مطالعه بیشتر در زمینه مواد ۴۸۸ و ۴۸۹ قانون مدنی مراجعه کنید به: سیدحسین امامی، حقوق مدنی، جلد دوم، تهران، کتابفروشی اسلامی، ۱۳۷۰، صص ۳۰-۲۶.

۱۴. در حکم شماره ۱۱۲۲-۱۳۱۶/۵/۱۵-دیوان عالی کشور می‌خوانیم: «در دعوای دین بر میت، ورثه قائم مقام میت است و باید دعوا به طرفیت آنها ثابت شده و بعد از ثبوت دین به طرفیت ورثه، نسبت به سهم هر یک از آنها از ترکه اداء گردد» (محمد بروجردی عبده، اصول قضایی - حقوقی، قسمت دوم، تهران، انتشارات رهام، ۱۳۸۲، ص ۵۷).

ورشکستگی)؛ لزوم طرح دعوی اعسار از تأدیه محکوم‌به، به طرفیت محکوم‌له دعوی اصلی؛ لزوم طرح دعوا به طرفیت متعهدله در مورد اسناد لازم‌الاجرا (ماده ۲۰ قانون اعسار)؛ و لزوم طرح دعوی متقابل، ورود ثالث و اعتراض ثالث به طرفیت اصحاب دعوی اصلی (مواد ۱۴۱، ۱۳۱ و ۴۲۰ قانون آیین دادرسی مدنی)، از جمله مواردی است که قانونگذار خواننده دعوا را خود تعیین کرده است.

با وجود این، تعیین خواننده توسط قانونگذار، به معنای عدول قانونگذار از قاعده طرح دعوا علیه ذینفع نیست، بلکه با استقراء این مقررات، مشاهده می‌کنیم که علاوه بر رعایت قاعده ذینفعی خواننده، معیارهای آتی‌الذکر، برای شناسایی خواننده دعوا، در این قبیل دعاوی نیز حسب مورد از جانب قانونگذار رعایت گردیده و علت تعیین علی‌الراس خواننده یا خوانندگان این دسته از دعاوی، بیشتر جنبه ارشادی داشته است.

## ۲- ذینفع بودن خواننده

همچنان که یکی از شرایط خواهان ذینفعی او در طرح دعوا است (ماده ۲ قانون آیین دادرسی مدنی)<sup>۱۵</sup> دادخواست باید علیه کسی داده شود که او نیز ذینفع در دعوا است،<sup>۱۶</sup> هر چند که لزوم ذینفع بودن خواننده، ملازمه با ممنوعیت طرح دعوا علیه غیر ذینفع ندارد (بند ۷). این قاعده، که از آن به قاعده طرح دعوا علیه ذینفع تعبیر می‌شود، از قواعد مهم آیین دادرسی مدنی است و در هیچ صورتی نمی‌توان از آن صرف‌نظر کرد. لزوم ذینفع بودن خواننده، معیار اصلی تمیز خواننده دعوا است و دعوایی که حداقل یکی از خوانندگان آن، این خصوصیت را نداشته باشد، وجود ندارد.

هر چند دادگاهها، بعضاً از قاعده طرح دعوا علیه ذینفع چشم‌پوشی می‌کنند، اما، هیأت عمومی شعب حقوقی دیوان عالی کشور، با صدور رأی اصراری شماره ۲۲-۱۳۸۰/۱۱/۹ ضمن نقض دادنامه دادگاه بدوی، بر لزوم رعایت این قاعده تأکید کرده است. این رأی که در نوع خود جالب است، به این شرح است:

«اداره اوقاف و امور خیریه رفسنجان که مدعی وقفیت مزرعه بشرآباد به شماره پلاک ثبتی ۷۵۲۲ بخش ۱۱ کرمان است، دعوی اثبات وقفیت شش دانگ مزرعه مذکور را فقط به طرفیت مالکان ۶۸ سهم از ۹۶ سهم پلاک مذکور اقامه کرده نه علیه کلیه

۱۵. احمد متین‌دفتری، آیین دادرسی مدنی، جلد دوم، تهران، انتشارات مجد، ۱۳۷۸، ص ۲۱۱؛ عبدالله شمس،

آیین دادرسی مدنی، جلد اول، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۰، صص ۳۲۱-۳۱۶.

۱۶. عباس کریمی، آیین دادرسی مدنی، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۶، ص ۷۶.

مالکان، ولی دادگاه حکم به وقفیت شش دانگ پلاک صادر نموده است که رأی دادگاه به استناد ماده ۲ قانون آیین دادرسی مدنی دادگاههای عمومی و انقلاب، نسبت به مازاد سهام خواندگان فاقد وجهت قانونی است. (عدم رعایت قاعده طرح دعوا علیه ذینفع از تشریفات مورد نظر ماده ۸ قانون دادگاههای مدنی خاص نمی‌باشد که بتوان از آن صرف‌نظر کرد)....<sup>۱۷</sup>.

با وجود این، هر چند حقوقدانان در اینکه دعوا باید علیه ذینفع اقامه گردد، متفق القول‌اند، اما بین آنها در اینکه چه کسی ذینفع است، مخصوصاً در قضایای عملی اختلافاتی بروز می‌کند.<sup>۱۸</sup> به طور کلی، می‌توان کسی را که حقوق او متأثر از نتیجه دعوا است، ذینفع نامید، اعم از اینکه این حقوق، متعلق به شخص واحد یا اشخاص متعددی باشد. بنابراین و برای مثال، در دعوای عزل مدیر شرکت (تبصره ذیل ماده ۱۱۱ لایحه قانونی ۱۳۴۷) علاوه بر مدیر، خود شرکت نیز باید طرف دعوا قرار گیرد؛ زیرا نتیجه دعوا (تغییر یا عدم تغییر مدیر) در حقوق شرکت به عنوان شرکت متبوع مدیر موثر است. شعبه بیست و پنجم دادگاه حقوقی یک تهران، به موجب دادنامه شماره ۲۷۱-۱۳۷۲/۳/۲۴ در این زمینه چنین رأی داده است:

«نظر به اینکه خواسته خواهان به طور خلاصه این است: «عزل خواننده از مدیریت و عضویت در هیأت مدیره شرکت سهامی خاص تولیدی و صنعتی جعبه» اقتضا داشت که شرکت مذکور نیز که دارای شخصیت حقوقی مستقل و به نظر دادگاه ذینفع در دعوا است، به دادرسی دعوت و فراخوانده می‌شد. با این ترتیب دعوا قابلیت استماع ندارد....»<sup>۱۹</sup>.

۱۷. اداره وحدت رویه قضایی، مذاکرات و آراء هیأت عمومی دیوان عالی کشور در سال ۱۳۸۰، تهران، چاپ روزنامه رسمی کشور، ۱۳۸۴، صص ۴۸۰-۴۶۹. در این پرونده (۱۹-۱۳۸۰) نظریه دادستان کل کشور نیز به این شرح است: «با توجه به اینکه اداره اوقاف رفسنجان در پرونده‌های مطروحه علیه شش نفر که جمعاً مدعی مالکیت ۶۸ حبه از ۹۶ حبه از پلاک مورد نزاع می‌باشند، طرح دعوا نموده و سایر مالکین قریه بشرآباد از جمله معترضین ثالث، طرف دعوا نبوده‌اند و رسیدگی به دعوای اعتراض ثالث، طبق موازین قانونی وظیفه دادگاه مربوطه است و مستفاد از گزارش تنظیمی قضات محترم شعبه ۱۹ دیوان عالی کشور این است که معترضین ثالث بالصرآحه مفاد صورتجلسات مورخ ۸۸/۶/۱۸ و ۷۱/۳/۲۰ را نپذیرفته‌اند، بنا به مراتب مرقوم و صراحت ماده ۲ قانون آیین دادرسی مدنی که مقرر نموده هیچ دادگاهی نمی‌تواند به دعوایی رسیدگی کند مگر اینکه شخص یا اشخاص ذینفع یا نماینده قانونی آنها رسیدگی به دعوا را برابر مقررات قانونی درخواست نموده باشند، لذا حکم صادره از دادگاه عمومی رفسنجان صرفاً از این جهت وجهت قانونی ندارد» (همان، ص ۴۷۸).

۱۸. احمد متین دفتری، آیین دادرسی مدنی، جلد اول، ص ۲۱۱.

۱۹. عباس اجتهادی و دیگران، گزیده آراء دادگاههای حقوقی، جلد اول، تهران، نشر میزان، ۱۳۷۴، ص ۴۳.

بر همین اساس، در دعوی تخلیه، به دلیل انتقال مورد اجاره به غیر (بند ۱ ماده ۱۴ قانون روابط موجر و مستأجر مصوب ۱۳۵۶) علاوه بر مستأجر، متصرف مورد اجاره نیز باید طرف دعوا قرار گیرد؛ زیرا علاوه بر لزوم طرح دعوی عینی علیه متصرف (بند ۳)، چون مطابق تبصره یک ماده ۱۹ قانون روابط موجر و مستأجر مصوب سال ۱۳۵۶ مستأجر یا متصرف، حسب مورد، استحقاق دریافت نصف حق کسب یا پیشه را خواهد داشت، بنابراین، منتقل‌الیه نیز ذینفع در دعوا است. شعبه هشتماد و پنجم دادگاه حقوقی ۲ تهران، به موجب دادنامه شماره ۷۲۰-۷/۱۰/۱۳۷۱ با استدلال مفصلی دعوی مالک مورد اجاره را که فقط علیه مستأجر اقامه شده بود، غیر قابل استماع اعلام کرده است. در بخشی از این دادنامه می‌خوانیم:

«از آنجایی که قانونگذار در امثال مورد، نصف حق کسب یا پیشه یا تجارت را حق مستأجر یا متصرف دانسته و تخلیه مورد اجاره هم قانوناً منوط به پرداخت آن خواهد بود، لذا اقتضای چنین حقی، این است که صاحب حق در دعوی مطروحه دخالت و شرکت داشته باشد و چون جهت تشخیص حق دوران امر بین مستأجر و متصرف است، مقتضی آن است که دعوا علیه هر دو آنان اقامه شود».<sup>۲۰</sup>

شعبه ششم تشخیص دیوان عالی کشور نیز، طی حکم شماره ۶/۶۲۲ مورخ ۱۳۸۳/۷/۲۱ در دعوی ابطال صورتجلسه واگذاری سهام یک شرکت تجاری، علاوه بر شرکت، لزوم اقامه دعوا به طرفیت انتقال‌گیرنده را هم با تأکید بر ذینفعی وی مورد توجه قرار داده است.<sup>۲۱</sup>

در مقابل و برای مثال، در دعوی ابطال اجراییه ثبتی (قانون اصلاح بعضی از مواد قانون ثبت و دفاتر اسناد رسمی مصوب ۱۳۲۲/۶/۲۷) دعوا باید علیه بستانکار سند لازم‌الاجرا طرح گردد و چنانچه خواهان، به جای بستانکار، دادخواست خود را علیه اداره ثبت بدهد، چنین دعوایی به دلیل عدم رعایت قاعده طرح دعوا علیه ذینفع، قابل استماع نخواهد بود. در واقع، اداره ثبت (دایره اجرا) که کار اجرای اسناد لازم‌الاجرا قانوناً به آن اداره واگذار شده است، هیچگونه نفع و ضرری در ابطال عملیاتش ندارد و اعتراض به دستور اجرای اسناد لازم‌الاجرا، مستلزم طرح دعوا علیه اداره مذکور نیست.<sup>۲۲</sup> شعبه اول دادگاه عمومی

۲۰. همان، صص ۱۷۰-۱۶۹.

۲۱. میرحسین عابدیان، در تکاپوی عدالت (آراء دیوان عالی کشور در امور مدنی)، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۸،

صص ۳۵۴-۳۴۹.

۲۲. مطابق نظریه شماره ۷/۷۴۴۳-۲۵/۱۰/۱۳۷۲ اداره حقوقی دادگستری: «در دعوی مربوط به ابطال سند یا اعلام بی‌اعتباری اسناد و یا درخواست ابطال اجراییه موضوع ماده ۱ قانون اصلاح بعضی از مواد قانون ثبت و دفاتر اسناد رسمی مصوب سال ۱۳۲۲، طرح دعوا به طرفیت اداره ثبت توجیه قانونی ندارد؛ زیرا وظیفه اداره ثبت



شهرستان اردل در پرونده کلاسه ۴۲۷/۸۳ دعوی بدهکار سند لازم‌الاجرا به خواسته ابطال اجراییه ثبتی را بدون اینکه بستانکار طرف دعوا قرار گرفته باشد، به طرفیت اداره ثبت اسناد و املاک پذیرفته و طی دادنامه شماره ۹۰۴/۸۳-۱۳/۴/۱۳۸۳ در غیاب بستانکار، حکم بر ابطال اجراییه‌های ثبتی صادر کرده است.<sup>۲۳</sup> این دادنامه، به دلیل عدم رعایت قاعده طرح دعوا علیه ذینفع مخدوش است. در واقع، طرف قرار دادن اداره ثبت، حتی با فرض طرح دعوا علیه بستانکار، به دلیل ذینفع نبودن اداره ثبت و جهات قانونی ندارد، اما، تقدیم دادخواست فقط علیه اداره ثبت و رسیدگی به چنین دعوی در غیاب بستانکار که ذینفع واقعی است، کاملاً با موازین قضایی ناسازگار است. پس، به طور کلی در هر مورد که موضوع دعوا شکایت از تصمیمات مراجعی است که به نفع شخص یا اشخاص دیگری گرفته شده است، چنانچه این مراجع، مستقیماً نفعی در تصمیمات متخذه نداشته باشند، طرح دعوا علیه آنان جایز نبوده و خواهان باید دعوی خود را علیه کسی که نفع تصمیمات این مراجع به او رسیده است، اقامه کند.<sup>۲۴</sup>

و دفاتر اسناد رسمی، تنها ثبت واقعه ابطال سند یا ابطال اجراییه است که پس از صدور حکم از طرف دادگاه و قطعیت آن مطابق ماده ۴ قانون اجرای احکام مدنی باید به دستور دادگاه به عمل آید» (اداره کل تدوین قوانین ریاست جمهوری، مجموعه آیین دادرسی مدنی، جلد اول، تهران، ۱۳۸۴، ص ۱۳۹).

۲۳. رأی شماره ۹۵۴/۸۳-۱۳/۴/۱۳۸۳ شعبه اول دادگاه حقوقی اردل به این شرح است: «در خصوص دعوی شرکت تعاونی تولیدکنندگان فرش دستباف روستایی اردل به طرفیت اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان اردل، به خواسته ابطال اجراییه‌های شماره ۱۲۳/۴/۳۵۶ مورخ ۸۳/۱/۲۵ و شماره ۱۲۳/۴/۳۵۷ مورخ ۱۳۸۳/۱/۲۵ موضوع پرونده شماره ۲۶۳، خواهان در جلسه دادرسی حاضر و اظهار داشته است، که اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان اردل بدون توجه به اینکه دین خواهان به بانک کشاورزی موخّل بوده و موعد سررسید آن نشده است، مبادرت به صدور برگ اجراییه نموده است. اداره خواننده حاضر و مدّعی است که تقاضای مطروحه از سوی بانک کشاورزی قبل از تصویب قانون بودجه بوده و در زمان تقاضا دین حال بوده و اجراییه‌ها صحیحاً صادر شده است. دادگاه با توجه به مراتب فوق و اینکه هر چند تقاضای طلبکار در زمانی به اداره ثبت ارائه شده که دین حال بوده است، لیکن اجراییه‌های موضوع پرونده در مورخ ۸۳/۱/۲۵ صادر شده که در زمان صدور طبق بند ش تبصره ۱۹ قانون بودجه سال ۱۳۸۳ دین شرکت تا ۱۰ سال بدون احتساب سود و کارمزد تقسیط گردیده است و از آنجایی که طبق اصول و موازین قانونی داین باید در سررسید دین به مدیون مراجعه و مطالبه نماید، دعوی خواهان را ثابت تشخیص و حکم بر ابطال اجراییه‌ها صادر و اعلام می‌گردد» (این رأی منتشر نشده و نسخه‌ای از آن نزد نگارنده است).

۲۴. در نظریه شماره ۷/۳۱۲۹-۱۸/۴/۸۴ اداره حقوقی دادگستری چنین آمده است: «با توجه به اینکه طبق ماده ۲ قانون حفاظت و حمایت از منابع طبیعی و ذخایر جنگلی کشور مصوب سال ۱۳۷۱، تشخیص منابع ملی و مستثنیات ماده ۲ قانون ملی شدن جنگلها و مراتع با رعایت تعاریف مذکور در قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگلها و مراتع با وزارت جهاد کشاورزی است و کمیسیون موضوع تبصره ماده مذکور، مرجع رسیدگی به اعتراضات اشخاص نسبت به تشخیص وزارت جهاد کشاورزی است. به عبارت دیگر، ذینفع اینگونه پرونده‌ها وزارت جهاد کشاورزی یا ادارات منابع طبیعی مربوط می‌باشد نه کمیسیون رسیدگی به اعتراض، بنابراین، در

ماده ۳۶ قانون تصفیه امور ورشکستگی مصوب ۱۳۱۸ با آنکه از جهتی دارای اشکال است، منطقی‌اً قیاس کاملی برای لزوم طرح دعوا علیه ذینفع به دست می‌هد. در بخشی از این ماده می‌خوانیم:

«... اگر معترض ادعا کند که طلب او بی‌مورد رد شده یا کسر گردیده و یا حق رهن و یا رجحان او منظور نشده، دعوا علیه اداره (تصفیه امور ورشکستگی) اقامه می‌شود و اگر طلب یا حق رجحان کسی که قبول شده، مورد اعتراض باشد، دعوا علیه بستانکار اقامه خواهد شد.»

به عبارت دیگر، لزوم طرح دعوا علیه بستانکار، در فرض دوم، ذینفعی او در چنین دعوایی است، هر چند به نظر ما، در این فرض نیز به دلیل ذینفعی ورشکسته در این دعوا، اداره تصفیه نیز باید طرف دعوا قرار گیرد. عموم و اطلاق ماده ۴۱۹ قانون تجارت هم این موضوع را تأیید می‌کند. رابطه بین معیار ذینفعی برای تشخیص خواننده دعوا، با معیارهای دیگر، رابطه عموم و خصوص مطلق است.<sup>۲۵</sup>

### ۳- عین بودن خواسته

حق تعقیب و تقدّم دو وصف بارز حق عینی است. به عبارت دیگر، حق عینی به طرفیت عموم قابل استناد است و مالک می‌تواند مال خود را در دست هر که بیابد، مطالبه کند.<sup>۲۶</sup> بر

اعتراض به تصمیم کمیسیون، ادارات ذینفع باید طرف دعوا قرار گیرند. همانطور که در اعتراض به احکام دادگاه‌ها نیز ذینفع طرف دعوا قرار می‌گیرد نه مرجع صادرکننده حکم، لذا در فرض استعلام، معترض باید علیه ذینفع طرح دعوا نماید و اقامه دعوا به طرفیت کمیسیون فاقد وجاهت قانونی است (اداره کل تدوین قوانین ریاست جمهوری، مجموعه آیین دادرسی مدنی، جلد اول، صص ۱۴۰-۱۳۹). در حکم شماره ۲۳۴۵-۱۳/۱۰/۱۳۷۵ دیوان عالی کشور نیز می‌خوانیم: «علی‌الاصول، دعوا باید به طرفیت شخصی مطرح گردد که مستقیماً از آثار دعوا متفیع یا متضرر می‌گردد و اداره ثبت شرکتها در حدود مقررات موظف است احکام دادگاهها در خصوص تصمیم مجامع عمومی را ثبت نماید و بنابراین، طرف دعوا قرار دادن آن اداره قانوناً موردی ندارد» (عباس کریمی، پیشین، ص ۷۶).

۲۵. به موجب نظریه شماره ۱۳۸۲/۸/۵-۷/۶۸۷۸ اداره حقوقی دادگستری: «چنانچه زوج بدون رضایت همسر اول و بدون اذن دادگاه، همسر دومی را به نکاح در آورد و سپس همسر دوم، الزام زوج به ثبت واقعه ازدواج را از دادگاه بخواهد، لزومی ندارد که دعوا، به طرفیت همسر اول نیز طرح شود» (اداره کل تدوین قوانین ریاست جمهوری، مجموعه آیین دادرسی مدنی، جلد اول، صص ۱۴۱-۱۴۰). برای مطالعه بیشتر در باره مفهوم نفع و خصوصیات آن مراجعه کنید به: عبدالله شمس، آیین دادرسی مدنی، جلد اول، صص ۳۲۱-۳۱۶.

۲۶. سیدحسن امامی، حقوق مدنی، جلد چهارم، تهران، کتابفروشی اسلامیة، ۱۳۶۸، ص ۵؛ ناصر کاتوزیان، دوره مقدماتی حقوق مدنی: اموال و مالکیت، تهران، نشر یلدا، ۱۳۷۴، صص ۲۱-۲۰؛ احمد متین‌دفتری، آیین دادرسی مدنی، جلد اول، ص ۲۱۵.

این اساس، چنانچه متصرف مالی که موضوع حق عینی است، به خواسته مدعی مال تن در ندهد، این شخص، باید به طرفیت متصرف مال طرح دعوا نماید. حقوقدانان، یکی از فایده‌های تفکیک دعاوی به عینی و دینی را همین می‌دانند. در واقع، در دعاوی عینی، دادخواست علیه کسی داده می‌شود که عین در دست اوست، بر خلاف دعاوی شخصی، که طرف دعوا کسی است که تعهدی به عهده گرفته است.<sup>۲۷</sup>

لزوم طرح دعوا علیه متصرف در دعاوی عینی، منطقاً نیز قابل دفاع است؛ زیرا در این دعاوی، خواسته خواهان، عموماً انتزاع ید خوانده و وضع ید خود نسبت به عین است و چنین خواسته‌ای، جز به طرفیت متصرف قابل رسیدگی و صدور حکم نیست. برای مثال، در دعاوی خلع ید، خواهان از مرجع قضایی می‌خواهد که ملک موضوع دادخواست را از غاصب بگیرد و به او پس دهد. این امر، مستلزم طرح دعوا علیه کسی است که بر مال مغضوب مسلط است و چنانچه خوانده تسلطی بر مال مغضوب نداشته باشد، صدور حکم خلع ید بی‌معنا خواهد بود.<sup>۲۸</sup> شعبه اول دیوان عالی کشور به موجب حکم شماره ۱۴۰-۱۳۲۵/۱/۳۱ چنین اشعار داشته است:

«اگر خوانده در مورد دعوا متصرف باشد دعوا متوجه او خواهد بود، ولو اینکه مستندات دعوا بر اثبات دعوا کافی نباشد».<sup>۲۹</sup>

این است که قانونگذار در صدر ماده ۲۳۹ قانون امور حسبی چنین مقرر داشته است:

«در دعاوی راجع به عین، طرف دعوا کسی است که عین در دست او است ...»<sup>۳۰</sup>

۲۷. احمد متین‌دفتری، آیین دادرسی مدنی، جلد اول، ص ۲۲۳؛ عبدالله شمس، آیین دادرسی مدنی، جلد اول، ص ۳۴۷؛ محمدجواد بهشتی و نادر مردانی، آیین دادرسی مدنی، جلد دوم، ص ۲۵۶؛ عباس کریمی، آیین دادرسی مدنی، ص ۳۲.

۲۸. سیدمحسن صدرزاده افشار، آیین دادرسی مدنی و بازرگانی، ص ۳۳۱. در رأی شماره ۹۴-۱۳۶۵/۲/۱۴ شعبه شصت و سوم دادگاه حقوقی ۲ تهران می‌خوانیم: «با توجه به صورتجلسه اجرای قرار معاینه محلی و گزارش عضو مجری قرار، خوانده در محل حضور نداشته و محل مورد ترافغ در تصرفات افراد دیگری غیر از خواننده بوده است... بنا به مراتب یاد شده و با توجه به مقررات ماده ۳۰۸ قانون مدنی و عنایت به ارکان ید غاصبانه و اینکه اساساً شرط استماع دعوی خلع ید، بقای ید غاصبانه و استمرار حالت استیلا ید به نحو عدوان می‌باشد... خواسته خواهان به طرفیت خوانده قابلیت استماع نداشته...» (یدالله بازگیر، منتخب آراء محاکم حقوقی، تهران، انتشارات بازگیر، ۱۳۸۲، ص ۱۳۰). حکم شماره ۲۳۱۷-۱۳۱۶۷/۲۴-دیوان عالی کشور نیز مشعر است بر اینکه: «دعوی راجع به ملکی را بر غیر متصرف نمی‌توان اقامه کرد» (خلیل صبری، روش دادرسی (حاوی تصمیمات دیوان عالی کشور از ۱۳۱۵ تا ۱۳۲۲)، تهران، بی‌نا، ۱۳۲۴، ص ۷).

۲۹. احمد متین، مجموعه رویه قضایی، قسمت حقوقی، از سال ۱۳۱۱ تا ۱۳۳۵، ص ۳۱۳.

۳۰. در حکم شماره ۳۸۴-۱۳۳۴/۱۰/۳۰-دیوان عالی کشور تصریح شده است: «اقامه دعوی عینی بر متصرف

این حکم که دارای عموم و اطلاق است و در نتیجه به وضوح ناظر به تمام دعاوی راجع به عین است، با اوصاف حقّ عینی سازگار و قاطع هرگونه اختلاف درباره نحوه تعیین خوانده دعوی راجع به عین است. از آنجا که در دعوی ناظر به عین، مرکز ثقل دعوا، عین خواسته است، هرگاه در جریان رسیدگی، خواسته به دیگری منتقل گردد، دعوا به طرفیت منتقل‌الیه امتداد خواهد یافت.<sup>۳۱</sup>

#### ۴- اصیل بودن خوانده

دعوا باید به طرفیت اصیل اقامه گردد، هر چند رابطه حقوقی منشأ دعوا، توسط وکیل یا نماینده قانونی طرف دعوا ایجاد شده باشد. مطابق ماده ۶۷۴ قانون مدنی، موکل باید تمام تعهداتی را که وکیل در حدود وکالت خود کرده، انجام دهد. بنابراین، هرگاه موکل تعهداتی ناشی از عقد وکالت را که وکیل در حدود وکالت ایجاد کرده است، انجام ندهد، طرف مقابل باید علیه موکل دادخواست بدهد و چنانچه به جای موکل، وکیل را طرف دعوا قرار داده باشد، چنین دعوایی قابلیت استماع نخواهد داشت.<sup>۳۲</sup> در رأی شماره ۲۰۱۶-۱۳۱۷/۹/۱۳ دیوان عالی کشور آمده است:

«هرگاه شخصی به عنوان وکالت از دیگری ملکی را اجاره دهد، سپس ملک مورد اجاره، ولو قسمتی از آن، مستحق‌للغیر درآید، طرف دعوی مستأجر، در خصوص استرداد مال‌الاجاره و هر دعوی دیگری که مستند به بطلان اجاره باشد، موکل است نه وکیل».<sup>۳۳</sup>

همچنین، رأی شماره ۲۰۱۶-۱۳۱۷/۹/۱۳ شعبه سوم دیوان عالی کشور مشعر است بر اینکه:

عین، از جمله مسائل بدیهی قضایی است و ماده ۲۳۹ قانون امورحسبی نیز تصریح به این معنا نموده، بنابراین، صدور قرار ردّ ایراد مدّعی علیه دایر بر عدم توجه دعوا به خود از لحاظ عدم تصرف خود و مورثش در مورد دعوا، قبل از احراز تصرف او یا مورثش، تخلف است» (سیدمحمدرضا حسینی، پیشین، ص ۷۴). در حکم شماره ۸۷۵-۱۳۱۷/۴/۱۱ دیوان عالی کشور می‌خوانیم: «قرار عدم توجه دعوا در مواردی که خوانده طرف مستقیم بوده مخدوش است» (خلیل صبری، پیشین، ص ۳۰).

۳۱. عبدالله شمس، آیین دادرسی مدنی، جلد اول، صص ۳۱۳-۳۱۲. مطابق حکم شماره ۲۲۶-۱۳۱۸/۲/۱۳ دیوان عالی کشور: «در صورتی که در جریان دعوا، عین خواسته به دیگری منتقل گردد جریان دادرسی به طرفیت منتقل‌الیه ادامه خواهد یافت» (محمد بروجردی عبده، اصول قضایی - حقوقی، قسمت دوم، تهران، انتشارات رهام، ۱۳۸۲، ص ۳۲).

۳۲. سیدحسن امامی، حقوق مدنی، جلد دوم، ص ۲۲۹.

۳۳. محمد بروجردی عبده، اصول قضایی - حقوقی، قسمت دوم، ص ۱۴.

«اگر در اجاره‌نامه مدرک دعوا تصریح شده باشد که خواننده به وکالت از کس دیگر رقباتی را به خواهان اجاره داده و خواهان در شرح دادخواست معترف به وکالت او باشد، در این صورت، طرف قرار دادن مشارالیه در دعوای بطلان اجاره نسبت به قسمتی از رقبات به عنوان مالکیت غیر، مورد ندارد؛ زیرا طرف ادعای بطلان اجاره، موجر است نه وکیل در اجاره و سکوت خواننده در مرحله بدوی از اظهار این مطلب، مجوز رسیدگی دادگاه پژوهشی به دعوای مزبور نخواهد بود.»<sup>۳۴</sup>

شعبه اول دادگاه حقوقی یک تهران نیز با صدور دادنامه شماره ۶۸۲-۱۰/۲۴-۱۳۷۳، دعوای خواهان الزام به تنظیم سند رسمی را به دلیل طرح دعوا علیه وکیل، غیرقابل استماع اعلام کرده است. در بخشی از این رأی چنین آمده است:

«نظر به اینکه به موجب پاسخ ۲۶۵۹۹-۸/۱۶-۱۳۷۲ ثبت ... مالکان پلاک ثبتی مزبور اشخاص دیگری غیر از خواننده هستند و محتویات پرونده کیفری استنادی خواهان نیز، صرفاً دلالت بر وکالت خواننده در برخی امور از جمله تفکیک پلاک ثبتی و به رهن گذاردن آن از جانب مالکان دارد، لذا، دادگاه چون دعوا به طرفیت اصیل طرح نشده، آن را قابل استماع ندانسته قرار رد آن را صادر و اعلام می‌نماید.»<sup>۳۵</sup>

در آراء شماره ۳/۵۶۸-۱۴/۹/۱۳۷۱ و شماره ۳/۱۹۰-۳/۲۴-۱۳۷۱ شعبه سوم دیوان عالی کشور هم، به اینکه طرح دعوا علیه وکیل موقعیت قانونی ندارد، تأکید شده است.<sup>۳۶</sup> همچنین، اگر کسی به نمایندگی از جانب دیگری قراردادی را بسته باشد، دعوای الزام به انجام تعهد و یا مطالبه خسارت ناشی از عدم انجام تعهد، باید علیه اصیل اقامه شود.<sup>۳۷</sup> شعبه اول دادگاه حقوقی یک تهران، مطابق دادنامه شماره ۱۵۷-۳/۱۷-۱۳۷۳ در همین زمینه چنین رأی داده است:

«بر نحوه طرح دعوا این ایراد وارد است که طبق قرارداد مورخ ۱۳۷۱/۱۱/۱۵ منعقد فی‌مابین طرفین، آقای محمود، خواننده دعوای مطروحه به سمت نمایندگی از طرف شرکت مهندسی، قرارداد فوق را امضا نموده و چون شرکت فوق یک مؤسسه و دارای شخصیت حقوقی است، خواهان، باید دعوا را به طرفیت شرکت مهندسی طرح

۳۴. احمد متین، مجموعه رویه قضایی، قسمت حقوقی، صص ۳۱۲-۳۱۱.

۳۵. محمدرضا کامیار، گزیده آراء دادگاههای حقوقی، جلد سوم، تهران، نشر حقوقدان، ۱۳۷۶، ص ۳۹.

۳۶. یدالله بازگیر، قانون آیین دادرسی مدنی در آیین آراء دیوان عالی کشور، تهران، انتشارات فردوسی، ۱۳۸۱، صص ۸۶-۸۰.

۳۷. عبدالله شمس، آیین دادرسی مدنی، جلد دوم، صص ۳۴-۳۳.

نماید».<sup>۳۸</sup>

آیت‌الله سیدمحسن طباطبایی حکیم در کتاب مستمسک العروه الوثقی در مسأله دعاوی زناشویی فتوا داده است که اگر ولیّ زوجه پیمان نکاح را از طرف وی بسته باشد، دعوی زوجه علیه همسرش متوجّه ولی نخواهد بود.<sup>۳۹</sup> با وجود این، هرگاه نماینده اصیل، به موجب توافق و یا قانوناً در مقابل خواهان مسؤول شناخته شود، طرح دعوا علیه او بلاشکال است. هیأت عمومی دیوان عالی کشور، با آنکه در رأی وحدت رویه قضایی شماره ۲۹-۱۳۶۳/۸/۲۸ طرح دعوا علیه نماینده تجاری متصدی حمل و نقل را غیرقابل استماع اعلام کرده است، امّا، ضمناً تأکید کرده، چنانچه بر دادگاه معلوم و محرز شود که نماینده تجاری متصدی حمل و نقل دارای اختیارات و تعهداتی بوده که او را مسؤول نموده و می‌تواند طرف دعوی مطالبه خسارت قرار گیرد، قبول دعوا به طرفیت او بلاشکال است.<sup>۴۰</sup> بدیهی است، این فرض، استثنایی بر قاعده طرح دعوا علیه اصیل نیست، بلکه ناظر به موردی است که نماینده، حسب توافق و یا بر اساس مقررات قانونی، مسؤول شناخته می‌شود و در این فرض، خود به مثابه اصیل است.<sup>۴۱</sup>

## ۵- اهلیت خوانده

دعوا باید علیه کسی اقامه گردد که دارای اهلیت قانونی است.<sup>۴۲</sup> منظور از اهلیت در اینجا، اهلیت اعم از تمتّع و استیفا است. در واقع، چنانچه کسی که تعهدی به عهده گرفته است، فوت نماید، با توجه به زوال اهلیت قانونی متوفی (ماده ۹۵۶ قانون مدنی) خواهان باید هر ادعایی که در این زمینه دارد علیه ورثه متوفی اقامه نماید و طرح دعوا علیه متوفی، از موجبات صدور قرار عدم استماع دعوا خواهد بود (ماده ۲۳۲ قانون امور حسبی). شعبه پنجاه و سوم دادگاه حقوقی ۲ تهران، به موجب دادنامه شماره ۸۱-۱۷/۱۲/۱۳۶۵ در این باره چنین رأی داده است:

۳۸. محمدرضا کامیار، گزیده آراء دادگاههای حقوقی، جلد سوم، صص ۳۹-۳۸.

۳۹. سیدمحسن طباطبایی حکیم، مستمسک العروه الوثقی، جلد چهاردهم، قم، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، ۱۳۷۰، ص ۳۹۷.

۴۰. توفیق عرفانی، اسناد و دعاوی تجاری، جلد اول، تهران، انتشارات ققنوس، ۱۳۸۱، ص ۳۰۵.

۴۱. به موجب رأی اصراری شماره ۱۷۰-۱۳۴۸/۴/۴-هیأت عمومی دیوان عالی کشور: «چنانچه اختیارات وکیل مطلق بوده و شامل تأدیه دیون موکّل نیز باشد، در این صورت، طرح دعوا علیه وکیل بلامانع است» (سیدمحمدرضا حسینی، پیشین، ص ۱۹۳).

۴۲. احمد متین دفتری، آیین دادرسی مدنی، جلد دوم، ص ۲۱۵؛ سیدمحسن صدرزاده افشار، پیشین، ص ۳۳۱.

«نظر به اینکه همسر خوانده با حضور در دادگاه و ارائه یک برگ گواهی فوت، اعلام داشته که خوانده در تاریخ ۱۳۶۲/۸/۱۶ فوت نموده و با توجه به اینکه دادخواست تقدیمی از ناحیه خواهان، بعد از فوت خوانده تنظیم شده و با عنایت به اینکه حسب مدلول ماده ۹۵۶ قانون مدنی، اهلیت و شخصیت حقوقی انسان با مرگ او تمام می‌شود و در مانحن‌فیه، پس از فوت خوانده، کلیه حقوق وی در رابطه با رقبه مستأجره، به ورثه مشارالیه منتقل گردیده است، علیهذا، طرح دعوا علیه نامبرده موقعت قانونی نداشته قرار عدم استماع دعوای مطروحه صادر و اعلام می‌گردد»<sup>۴۳</sup>.

دعوی علیه محجورین نیز، با توجه به ماده ۱۲۳۵ قانون مدنی و ماده ۱۲ قانون حمایت از کودکان بدون سرپرست، مصوب اسفند ماه ۱۳۵۳ باید به طرفیت قیم و سرپرست قانونی آنها اقامه گردد و طرف قرار دادن محجورین، بدون حضور قیم و سرپرست قانونی آنها صورت قانونی ندارد. هرگاه دادخواست به طرفیت محجور ثبت شده باشد، دادگاه ملزم است، قرار عدم استماع دعوای خواهان را صادر نماید. اداره حقوقی دادگستری در نظریه شماره ۱۳۸۳/۴/۲۷-۷/۹۲۶ در همین زمینه چنین اظهار نظر کرده است:

«مادام که برای محجور تعیین قیم نشده باشد، طرح دعوا علیه او و یا دادستان ممکن نیست و چون دادستان مطابق ماده ۱۲۲۲ قانون مدنی، به محض اطلاع از وجود محجور، باید نسبت به تعیین قیم اقدام کند، بنابراین، با تعیین قیم، مدعی می‌تواند به طرح دعوا علیه محجور به طرفیت قیم مبادرت نماید»<sup>۴۴</sup>.

هرگاه، قیم و سرپرستان محجور متعدّد باشند، دادخواست باید علیه تمامی آنها داده شود. به موجب حکم شماره ۱۳۲۰/۴/۱-۱۲۸۵ شعبه سوم دیوان عالی کشور:

«اگر خوانده دعوا قیم صغیری باشد که کس دیگری هم در وظیفه سرپرستی صغیر با او شریک باشد، در این صورت، جریان رسیدگی، تنها به طرفیت خوانده مزبور قانونی

۴۳. محمدرضا کامیار، *گزیده آراء دادگاههای حقوقی*، جلد سوم، ص ۴۶. کمیسیون حقوقی قضات دادگستری تهران در این زمینه چنین بیان داشته است: «مطابق ماده ۲ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی، هیچ دادگاهی نمی‌تواند به دعوایی رسیدگی کند مگر اینکه شخص یا اشخاص ذینفع یا وکیل یا قائم مقام آنان، رسیدگی به دعوا را برابر قانون درخواست نموده باشند. دعوای علیه میت، با توجه به اینکه مطابق ماده ۹۵۶ قانون مدنی اهلیت برای دارا شدن حقوق با زنده متولّد شدن شروع و با مرگ او تمام می‌شود، فاقد وجهه قانونی است...» (معاونت آموزش قوه قضاییه، *رویه قضایی ایران در ارتباط با دادگاههای عمومی حقوقی*، جلد چهارم، تهران، انتشارات جنگل، ۱۳۷۸، صص ۹۲-۹۱). در حکم شماره ۱۱۲۲-۱۳۱۶/۱۱/۲۵ دیوان عالی کشور تصریح شده است: «دعوی بر مرده، بر ورثه اقامه می‌شود» (خلیل صبری، پیشین، ص ۹).

۴۴. اداره کل تدوین قوانین ریاست جمهوری، *مجموعه آیین دادرسی مدنی*، جلد اول، ص ۱۴۱.

نخواهد بود.»<sup>۴۵</sup>

اشخاص حقوقی نیز، چنانچه به دلیل ورشکستگی، ممنوع از مداخله در دارایی خود گردند، دعاوی مربوط به آنها، باید علیه مدیر تصفیه طرح و تعقیب گردد. ماده ۴۱۹ قانون تجارت در این باره چنین مقرر داشته است:

«از تاریخ حکم ورشکستگی، هرکس نسبت به تاجر ورشکسته دعوایی از منقول و غیرمنقول داشته باشد، باید بر مدیر تصفیه یا به طرفیت او تعقیب کند. کلیه اقدامات اجرایی نیز مشمول همین دستور خواهد بود.»<sup>۴۶</sup>

معهدا، در غیر حالت ورشکستگی (انحلال) چون شخصیت حقوقی شرکت، تا خاتمه امر تصفیه باقی می ماند (ماده ۲۰۸ لایحه قانونی ۱۳۴۷) هرگونه دعوی بر شرکت، باید به طرفیت خود شرکت اقامه گردد.<sup>۴۷</sup> شعبه بیست و یکم دیوان عالی کشور، طی حکم شماره ۱۳۶۸/۳/۲-۲۱/۸۴ در همین خصوص چنین رأی داده است:

«در فرض ثبوت مطالبات ادعایی خواهان از شرکت در حال تصفیه ... نظر به اینکه شخصیت حقوقی شرکت، تا خاتمه امر تصفیه، مستند به ماده ۲۰۸ اصلاحی قانون تجارت مصوب سال ۱۳۴۷ کماکان باقی خواهد بود ... خواهان باید به طرفیت شرکت منحلّه در حال تصفیه، اقامه دعوا نماید.»<sup>۴۸</sup>

## ۶- شخصیت حقوقی خوانده

اشخاص اعم از حقیقی یا حقوقی، چنانچه شخصیت حقوقی کاملی داشته باشند، در قبال ادعاهایی که متوجه آنها است، خود باید طرف دعوا واقع شوند. در واقع، هر چند محجوران (اشخاص غیررشید، مجانین، و صغار) نمی توانند طرف دعوا واقع شوند، امّا، در صورت رفع حجر، دارای شخصیت حقوقی مستقلی از سرپرستان خود می شوند و بعد از زوال حجر، طرح دعوا علیه سرپرست سابق آنها فاقد وجاهت قانونی است. به عبارت

۴۵. احمد متین، مجموعه رویه قضایی، قسمت حقوقی، ص ۳۱۶.

۴۶. در حکم شماره ۶۸۵-۱۳۱۹/۳/۲ دیوان عالی کشور آمده است: «از ماده ۴۲۵ و سایر مواد مربوطه از قانون تجارت، لزوم حضور عضو ناظر در جلسات دعاوی مربوط به ورشکسته، استفاده نمی شود» (محمد بروجردی عبده، اصول قضایی- حقوقی، قسمت دوم، ص ۳۶).

۴۷. حسن ستوده تهرانی، حقوق تجارت، جلد دوم، تهران، نشر دادگستر، ۱۳۷۵، ص ۳۳۲؛ ربیعا اسکینی، حقوق تجارت: شرکتهای تجاری، جلد اول، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۷۵، صص ۱۳۹-۱۳۸.

۴۸. توفیق عرفانی، پیشین، صص ۸۷-۸۶.



دیگر، همچنان که محجوران، در حالت حجر، نمی‌توانند طرف دعوا واقع شوند، پس از رفع حجر نیز لزوماً باید دعاوی مربوطه به طرفیت خود آنها اقامه شود و این، از جمله آثاری است که از شخصیت حقوقی کامل هر فرد ناشی می‌شود.<sup>۴۹</sup>

در اشخاص حقوقی نیز، وضع به همین صورت است. بر پایه ماده ۵۸۸ قانون تجارت:

«شخص حقوقی می‌تواند دارای کلیه حقوق و تکالیفی شود که قانون برای افراد قائل است، مگر حقوق و وظایفی که بالطبع فقط انسان ممکن است دارای آن باشد ...».

لزوم طرح دعوا علیه شخص حقوقی نیز مشمول این حکم قانونگذار است. بنابراین، در دعاوی راجع به شرکت، طرف دعوا شرکت خواهد بود و نمی‌توان به جای شرکت، علیه سهامداران و صاحبان سهام شرکت و یا حتی مدیران شرکت دادخواست داد. هیأت عمومی دیوان عالی کشور، در پرونده کلاسه ۶۹-۵۲ مجال این را یافته است تا بر این اصل حقوقی که اصطلاحاً حجاب شرکت نامیده می‌شود تأکید کند و خرق این حجاب را برنتابد. در بخشی از رأی وحدت رویه قضایی شماره ۵۵۷-۱۳۷۰/۳/۷ هیأت عمومی دیوان عالی کشور می‌خوانیم:

«دعوی بستانکاران برای وصول بدهی کارخانه‌هایی که به ثبت رسیده و دارای شخصیت حقوقی باشند، باید علیه کارخانه اقامه شود، انّهایه، در مواردی که طبق قانون حمایت صنعتی و جلوگیری از تعطیلی کارخانه‌های کشور، مصوب خرداد ماه ۱۳۴۳ مدیر یا مدیرانی برای اداره امور کارخانه معین شده باشد، جوابگویی از دعوا با مدیر یا مدیران مزبور خواهد بود.»<sup>۵۰</sup>

هیأت عمومی شعب حقوقی دیوان عالی کشور، در پرونده کلاسه ۷۵-۱۵ با صدور رأی اصراری شماره ۲۱-۱۳۷۵/۹/۶-۲۱ مجدداً بر این اصل تأکید کرده است. در این رأی آمده است:

«رأی تجدید نظر خواسته واجد اشکال است؛ زیرا ... دعوا علیه خود شرکت اقامه نشده، بلکه به طرفیت اعضای هیأت مدیره شرکت، (جدا از مسؤولیتی که در شرکت دارند) مطرح گردیده و اصولاً شرکتهای تجاری به موجب مواد ۵۸۳ و ۵۸۸ قانون تجارت، دارای شخصیت حقوقی جدا و مستقل از شخصیت حقیقی اعضا و سهامداران آن

۴۹. سیدحسن امامی، حقوق مدنی، جلد چهارم، ص ۱۵۰.

۵۰. توفیق عرفانی، پیشین، صص ۹۵-۹۴.

می‌باشند...»<sup>۵۱</sup>

علاوه بر این، آراء متعددی از دیوان عالی کشور وجود دارد که در آنها بر لزوم طرح دعوا علیه شخصیت حقوقی تأکید شده است.<sup>۵۲</sup> از این رو، هرگاه خواهان، دعوای خود را - به درستی - علیه شرکت اقامه کند، به استناد استعفای مدیر آن شرکت نمی‌توان قرار عدم توجه دعوا صادر کرد. این عبارت، مضمون رأی است که شعبه ششم دیوان عالی کشور تحت شماره ۲۰۴۹-۱۳۲۷/۱۲/۹ صادر کرده است.<sup>۵۳</sup>

این وضعیت، عیناً در مؤسسات و اشخاص حقوقی دولتی نیز حاکم است. بدین ترتیب، اجرای تعهدات مؤسسات و سازمانهای دولتی، باید از خود آن اشخاص مطالبه شود و طرح دعوا علیه مسؤول و یا نماینده سازمانهای مذکور مجاز نخواهد بود. طبق حکم قدیمی شماره ۱۳۸۹-۱۳۰۸/۲/۲۴ دیوان عالی کشور، قراردادی را که وزیر وقت از حیث وزارت خود منعقد نموده است، راجع به شخص او نبوده و اگر دعوایی راجع به آن پیدا شود، مربوط به وزارتخانه است نه وزیر.<sup>۵۴</sup> شعبه اول دادگاه حقوقی یک تهران نیز، به موجب دادنامه شماره ۶۳۷-۱۳۷۲/۱۰/۸ در همین ارتباط به این صورت رأی داده است:

«نظر به اینکه قرارداد مستند دعوا، با اداره پست تهران منعقد شده، و حال آنکه، مسؤول وقت اداره مزبور طرف دعوا قرار گرفته است، لذا دادگاه دعوا را به کیفیت مطروحه قابل استماع ندانسته قرار عدم استماع آن را صادر و اعلام می‌دارد...»<sup>۵۵</sup>

با توجه به آنچه در بالا گفته شد، حکم شماره ۱۳۵-۱۳۲۳/۱/۲۶ شعبه سوم دیوان عالی کشور، دایر بر اینکه: «اگر قراردادی مبنی بر خرید جنس از طرف کسی که مأمور اداره بوده با کسی دیگر منعقد شود، فقط ذکر کلمه نماینده اداره، سلب طرفیت او را نسبت به قراردادی که منعقد شده، نمی‌نماید»<sup>۵۶</sup> واجد اشکال است؛ زیرا مأمور خرید به نمایندگی از اداره متبوع خود، اجناس را برای آن اداره خریده و چون تعهدات ناشی از این معامله، متوجه اداره متبوع وی است، دعوای ناشی از این معامله نیز، به اداره مذکور توجه داشته و در نتیجه طرح دعوا به طرفیت مأمور خرید، بی‌وجه است.

۵۱. اداره وحدت رویه قضایی، مذاکرات و آراء هیأت عمومی دیوان عالی کشور در سال ۱۳۷۵، تهران، چاپ روزنامه رسمی کشور، ۱۳۷۷، صص ۴۵۰-۴۴۹.

۵۲. یدالله بازگیر، قانون آیین دادرسی مدنی در آیین آراء دیوان عالی کشور، صص ۲۱۵-۲۱۴.

۵۳. احمد متین، مجموعه رویه قضایی، قسمت حقوقی، ص ۳۱۰.

۵۴. محمد بروجردی عبده، اصول قضایی - حقوقی، قسمت اول، بی‌نا، بی‌تا، ص ۱۸۶.

۵۵. محمدرضا کامیار، گزیده آراء دادگاههای حقوقی، جلد سوم، ص ۴۵.

۵۶. احمد متین، مجموعه رویه قضایی، قسمت حقوقی، ص ۳۱۳.

## ۷- لزوم ثبوت ارکان دعوا

هر چند همچنان که تأکید کردیم، ذینفع بودن خواننده، از شرایط طرح دعوا است، اما، در پاره‌ای دعاوی، بی‌آنکه شخصی ذینفع باشد، به دلیل لزوم ثبوت ارکان دعوا، باید طرف دعوا قرار گیرد. البته، در این قبیل دعاوی نیز که لزوماً دارای خوانندگان متعددی است، حداقل، یکی از خوانندگان دارای نفع در دادرسی است؛ منتها، همچنان که گفتیم لزوم ثبوت ارکان دعوا، مستلزم حضور شخص یا اشخاصی است که ممکن است ذینفع در دعوا نباشند. دعوی اخذ به شفعه، از جمله این دعاوی است. در این دعوا، برای اینکه شفیع بتواند منشأ حق خود را اثبات کند، یعنی ثابت کند که سهم شریک مال مشاع غیرمنقول (ماده ۸۰۸ قانون مدنی) در قالب عقد بیع، به خریدار واگذار شده است و برای اینکه دادگاه نیز به عنوان مقدمه ضروری رأی خود، به صحت و سقم این موضوع پی ببرد، خواهان (شفیع) مکلف است فروشنده (شریک سابق) را نیز با آنکه نفعی در برد و باخت او و خریدار ندارد، مورد لحوق دادخواست دعوی اخذ به شفعه قرار دهد.<sup>۵۷</sup> شعبه بیست و پنجم دادگاه حقوقی یک تهران، در پرونده کلاسه ۶۹-۳۷۸ دادنامه دادگاه بدوی را بر پایه همین استدلال نقض کرده است. در بخشی از رأی شعبه بیست و پنجم دادگاه حقوقی یک تهران که البته از حیث انشاء، فاقد شیوایی لازم است، چنین می‌خوانیم:

«۷- اما، از نظر شکلی دادنامه شماره ۳۵۶-۳۱/۴/۱۳۶۹ صادره از شعبه ۶۷ دادگاه حقوقی دو تهران دارای اشکال است؛ زیرا در دعوی مربوط به حق شفعه و اخذ آن، حق این است که دعوا به طرفیت فروشنده و خریدار (هر دو) اقامه شود. بدین توضیح که فروشنده به هر حال در این دعوا بیگانه نیست؛ زیرا که اولاً یکی از شرایط ایجاد حق شفعه انتقال سهم مالکانه شریک مشاعی دیگر از طریق انعقاد عقد بیع است که شفیع ابتدا باید وقوع آن را به اثبات برساند (در برابر متعاقدين آن) و ثانیاً امکان دفاع احتمالی را در مقابل ادعایی که حکم مترتب به آن، آثار و عوارضی را قهراً به فروشنده تحمیل خواهد نمود به وی بدهد، صرف‌نظر از مسأله اثبات تحقق عقد بیع، فروشنده دلایلی را اقامه کند که حکایت از اسقاط حق شفعه و انصراف مدعی آن (به نحوی از انحاء باشد).»<sup>۵۸</sup>

۵۷. ناصر کاتوزیان، حقوق مدنی: ایقاع، تهران، نشر یلدا، ۱۳۷۰، صص ۳۳۱-۳۲۹.

۵۸. محمدرضا کامیار، گزیده آراء دادگاههای حقوقی، جلد دوم، صص ۲۱۲-۲۰۹. دادگاه حقوقی یک تهران نیز، به موجب دادنامه شماره ۱۰۱-۱۳۶۹/۳/۵ تقریباً با همین استدلال در دعوی اخذ به شفعه طرح دعوا به طرفیت فروشنده را نیز لازم دانسته و این دادنامه مطابق دادنامه شماره ۱۱۰۴-۱۳۶۹/۱۲/۸- شعبه چهاردهم دیوان

دعوی الزام به ثبت انتقال سهام با نام شرکت‌های سهامی عام (ماده ۴۰ لایحه قانونی ۱۳۴۷) هم از جمله دعاوی است که در آن، علاوه بر فروشنده سهم، شرکت صادرکننده سهم نیز باید طرف دعوا قرار گیرد. در این دعوا، به دلیل اینکه سهام شرکت‌های سهامی ذاتاً قابل معامله است (ماده ۲۴ لایحه قانونی ۱۳۴۷) و در شرکت‌های سهامی عام، اعمال هرگونه محدودیتی برای نقل و انتقال سهام مجاز نیست (ماده ۴۱ لایحه قانونی ۱۳۴۷)، شرکت صادرکننده سهم، علی‌الاصول، هیچگونه نفعی در دعوی ناشی از معامله سهام خود ندارد. معهذاً، لزوم احراز سهامدار بودن فروشنده و امکان اجرای حکم و رعایت پاره‌ای مقررات ناظر بر این شرکتها، مستلزم طرح دعوا علیه شرکت نیز هست و اقامه دعوا فقط به طرفیت فروشنده سهم قابلیت استماع نخواهد داشت.<sup>۵۹</sup>

## ۸- تجزیه‌ناپذیری دعوا

هرگاه دعوا تجزیه‌ناپذیر باشد، تمامی اشخاصی که حق ادعایی علیه آنها است، باید خوانده قرار گیرند و آلاً، دعوا مسموع نخواهد بود.<sup>۶۰</sup> در واقع، چون در این قبیل دعاوی نتیجه دادرسی به بیش از یک شخص توجه پیدا می‌کند، رسیدگی به چنین دعاوی مستلزم حضور تمامی این اشخاص است. برای مثال، چنانچه خواسته دعوا اعلام بطلان سندی باشد که بین دو نفر تنظیم گردیده است، دادخواست بطلان سند باید علیه هر دو نفر ثبت گردد و طرح دعوا فقط به طرفیت یکی از امضاکنندگان سند، موقعیت قانونی ندارد.<sup>۶۱</sup>

عالی کشور تأیید گردیده است. برای ملاحظه بررسی و تحلیل این رأی، نک: ناصر کاتوزریان، توجیه و نقد رویه قضایی، تهران، نشر دادگستر، ۱۳۷۷، صص ۶۹-۷۷.

۵۹. لزوم طرح دعوا علیه مدیون، در پرونده‌های اجرایی نیز بر همین مبنا قابل توجیه است. در دادنامه شماره ۳۵۰-۳۷/۶/۱۲ شعبه اول دادگاه حقوقی یک تهران آمده است: «نظر به اینکه در دعوی اظهار حق ثالث نسبت به اموال توقیفی موضوع ماده ۱۴۶ قانون اجرای احکام مدنی، اقتضاء دارد که ذینفع و مدیون هر دو، طرف دعوا قرار گیرند و در دعوی حاضر، خواهان صرفاً ذینفع را طرف دعوا قرار داده است، لذا دادگاه دعوا را به کیفیت مطروحه قابل استماع ندانسته و قرار عدم استماع آن را صادر و اعلام می‌نماید (محمدرضا کامیار، گزیده آراء دادگاههای حقوقی، جلد دوم، ص ۲۵۳). در حکم شماره ۱۲۶۲-۱۳۱۶/۵/۱ دیوان عالی کشور هم آمده است: «اعتراض ثالث اجرایی، باید به طرفیت داین و مدیون باشد» (خلیل صبری، پیشین، ص ۳۸).

۶۰. عبدالله شمس، آیین دادرسی مدنی، جلد دوم، ص ۳۴.

۶۱. به موجب نظریه شماره ۷۰۵۶-۷/۲۷-۶۳/۴ اداره حقوقی دادگستری، دعوی ابطال سند باید به طرفیت تنظیم‌کنندگان اقامه شود و در مورد استعلام، چون سند اجاره فی‌مابین سازمان اوقاف و طرفین دعوا تنظیم گردیده، دعوی ابطال آن هم باید به طرفیت اداره اوقاف و خوانده هر دو، اقامه شود و در غیر این صورت، قرار رد آن صادر گردد» (غلامرضا شهری امیر حسین‌آبادی، مجموعه نظرهای مشورتی اداره حقوقی دادگستری در مسائل مدنی، تهران، چاپ روزنامه رسمی کشور، بی‌تا، ص ۴۴۷). و مطابق رأی اصراری شماره ۳۸۸۳-۱۲/۲۲-۴۱/۱۲/۲۲

دعوی افزایش نیز، از جمله دعوی تجزیه‌ناپذیر است که لزوم دخالت همه شریکان در این دعوا، محرز شناخته شده است. چون، جوهر اشاعه در این است که سهام همه شرکا منتشر در مجموع مال است، پس اگر تقسیم مال مشاع از دادگاه خواسته شود، دادخواست باید علیه همه شریکان داده شود و طرح دعوا علیه برخی از شرکا قابل رسیدگی نخواهد بود.<sup>۶۲</sup> شعبه بیست و هفتم دادگاه شهرستان تهران دادخواست پژوهشی یکی از شرکای قطعه زمین مشاع را که در آن فقط برخی از شرکا طرف دعوی پژوهشی قرار گرفته بودند، غیرقابل استماع اعلام کرده و آراء آن طی رأی اصراری شماره ۱۴۴۰ سال ۱۳۴۱ هیأت عمومی شعب حقوقی دیوان عالی کشور، تأیید گردیده است. در این آراء، که صادر کننده آنها آقای دکتر ناصر کاتوزیان بوده مفصلاً اذله لزوم طرح دعوی افزایش به طرفیت تمامی شرکا تشریح گردیده است. در بخشی از یکی از این آراء، چنین می‌خوانیم:

«نظر به اینکه اشاعه و انتشار سهام شرکا در تمام اجزاء ملک مشاع، چنین ایجاب می‌کند که درخواست افزایش به طرفیت کلیه مالکان داده شود و با مداخله کلیه آنان سهام کسانی که از دادگاه تقاضای تقسیم را نموده‌اند تعیین گردد و از مفاد ماده ۵۸۹ قانون مدنی و ماده ۳۰۰ و شق ۳ ماده ۳۰۴ قانون امور حسبی، به خوبی این معنا مستفاد می‌شود».<sup>۶۳</sup>

همچنین در حکم شماره ۵۶۶-۱۴/۴/۱۳۲۷ شعبه اول دیوان عالی کشور می‌خوانیم:

«دعوی افزایش اصولاً باید به طرفیت تمام صاحبان سهام اقامه شود».<sup>۶۴</sup>

هیأت عمومی شعب حقوقی دیوان عالی کشور: «چون ادعای اداره خالصجات فارس، بر آقای فتحعلی فرجام‌خوانده، بدین عنوان بوده که رییس دارایی وقت جهرم، خارج از حدود اجازه و اختیار رقبات مورد دعوا را به آقایان منصور و نجف و بختیار و عده‌ای دیگر منتقل نموده و بدین سبب معامله مزبور قانونی نبوده است لذا معامله آنان با فرجام‌خوانده صحیح نمی‌باشد درخواست صدور حکم به بطلان سند رسمی مربوط به معامله آنان با فرجام‌خوانده را کرده است، چون انتقال رقبات مزبور، از طرف فرجام‌خوانده به دیگران، نسبت به دعوی مطروحه مؤثر نیست و سبب خروج مشارالیه از طرفیت دعوا نمی‌گردد و دفاع در قبال اداره خالصجات راجع به ابطال سند معامله منتقل‌الیه از دولت به فرجام‌خوانده با خود او می‌باشد، قرار عدم توجه دعوی پژوهشی مخدوش است و شکسته می‌شود (مجموعه رویه قضایی از سال ۱۳۲۸ تا ۱۳۴۲، جلد دوم، کیهان، ۱۳۵۳، ص ۴۷۷)».

۶۲. ناصر کاتوزیان، توجیه و نقد رویه قضایی، ص ۲۷۵.

۶۳. مجموعه رویه قضایی از سال ۱۳۲۸ تا ۱۳۴۲، جلد دوم، کیهان، ۱۳۵۳، صص ۴۸۸ به بعد.

۶۴. مطابق نظریه شماره ۲۲-۱۱/۱۳۴۳ اداره حقوقی دادگستری: «از مجموع مواد قانون مدنی و مواد ۳۰۴ و ۳۲۶ قانون امور حسبی مربوط به تقسیم، مسلم است که تقسیم با دخالت کلیه شرکا انجام می‌شود و دعوی افزایش هم به طرفیت کلیه شرکا (مالکان) باید اقامه شود و رهن و وثیقه بودن سهم بعضی از شرکا نزد ثالث، موجب

حکم شماره ۱۵۴۱-۱۳۱۷/۶/۳۰- دیوان عالی کشور نیز، مثالی برای تجزیه‌ناپذیری دعوا است. در این حکم آمده است:

«اگر برای قناتی که مالکان متعددی دارد مشغول نوکنی حلقه باشند و مالک قنات مجاور آن را مضرّ به قنات خود دانسته و بخواهد از آن جلوگیری کرده و آنچه کنده‌اند پر کند، برای انجام این منظور، باید طرف دعوا را همه مالکان قرار دهد و با طرفیت یک نفر از آنها حکم نقض خواهد شد.»<sup>۶۵</sup>

## ۹- توان قانونی خوانده

خواهان، حتی اگر خوانده تعهد معتبری هم در برابرش به عهده گرفته باشد، در صورتی می‌تواند علیه او دادخواست الزام به انجام تعهد ثبت کند که او قانوناً توان انجام این تعهد را داشته باشد. بنابراین، هرگاه، خوانده مطابق مقررات قانونی نتواند تعهدی را که به عهده گرفته است انجام دهد، طرح دعوا علیه او قابل استماع نخواهد بود. دعوای الزام به انتقال رسمی مالی که سند آن به نام خوانده نیست، مثالی برای این معیار از نحوه تعیین خوانده است. در واقع، چون قانوناً فقط کسی می‌تواند امضاکننده سند انتقال رسمی باشد که سند رسماً به نام اوست، الزام سایر اشخاص به انجام چنین امری خارج از توان قانونی آنان است هر چند متعهد به چنین کاری نیز شده باشند.<sup>۶۶</sup> شعبه اول دادگاه حقوقی یک تهران، بر طبق دادنامه شماره ۳۴۶-۱۳۷۲/۶/۱۲ در همین خصوص چنین اظهار نظر کرده است:

«نظر به اینکه به موجب ماده ۲۲ قانون ثبت در مورد املاکی که مطابق قانون در دفتر املاک به ثبت رسیده، دولت فقط کسی را که ملک به اسم اوست و یا کسی که ملک مزبور به او منتقل گردیده و این انتقال نیز در دفتر املاک به ثبت رسیده و یا اینکه ملک مزبور از مالک رسمی ارثاً به او رسیده مالک خواهد شناخت و از آنجا که در دعوای حاضر به جهات مذکور در پاسخهای ۲۶۲۵-۱۳۷۳/۳/۵ و ۱۵۹۹۲-۱۳۷۳/۵/۴ ثبت منطقه غرب تهران، نام خوانده تا کنون به عنوان مالک رسمی، در دفتر املاک ثبت نگردیده، دادگاه دعوا را به کیفیت مطروحه قابل استماع ندانسته، قرار عدم استماع آن

طرف قرار دادن شخص مزبور در دعوای افراز نیست... (هفته دادگستری). به نظر ما، این نظریه مخدوش است؛ زیرا افراز مال مرهون، مطابق مواد ۷۹۳ و ۷۹۴ قانون مدنی، منوط به اجازه مرتهن است و حداقل صدور حکم افراز، مستلزم طرح دعوای افراز به طرفیت مرتهن خواهد بود.

۶۵. محمد بروجردی عبده، اصول قضایی- حقوقی، قسمت دوم، ص ۱۱۷.

۶۶. عبدالله شمس، آیین دادرسی مدنی، جلد اول، ص ۳۳؛ عباس کریمی، پیشین، ص ۹۰؛ غلامرضا شهری و

امیر حسین آبادی، پیشین، ص ۳۹۶.

را صادر و اعلام می‌نماید.»<sup>۶۷</sup>

به طور کلی، اقامه دعوا علیه کسی که قانوناً نمی‌تواند خواسته خواهان را انجام دهد، صورت قانونی ندارد و خواهان باید با ملاحظه این امر مبادرت به طرح دعوا نماید.

## نتیجه‌گیری

اقامه دعوا مستلزم تعیین خواننده است و دادخواستی که در آن مشخصات خواننده نوشته نشده باشد، توقیف خواهد شد (بند ۳ ماده ۵۳ قانون آیین دادرسی مدنی). معهذا، نوشتن مشخصات خواننده در دادخواست کافی نیست و خواهان باید ادعای خود را علیه کسی طرح کند که دعوا قانوناً متوجه اوست. هرگاه، خواهان دعوی مورد نظر را علیه کسی که مطابق مقررات قانونی طرف دعوا شناخته می‌شود، اقامه نکند، علاوه بر اینکه خواننده می‌تواند به این موضوع ایراد کند، دادگاه نیز مکلف است، بدون ورود در ماهیت دعوا، با صدور قرار عدم استماع دعوا، پرونده را از دادگاه خارج سازد. این است که تمیز خواننده دعوا از حساس‌ترین موضوعات آیین دادرسی مدنی محسوب می‌شود. بر این اساس، و قطع نظر از مواردی که قانونگذار رأساً خواننده دعوا را مشخص ساخته است، ذینفع بودن خواننده از جمله معیارهای عام تشخیص خواننده تلقی می‌شود. عین بودن خواسته؛ اهلیت قانونی خواننده؛ اصیل بودن خواننده؛ شخصیت حقوقی خواننده؛ لزوم ثبوت ارکان دعوا؛ تجزیه‌ناپذیر بودن دعوا؛ و توان قانونی خواننده نیز مجموعاً معیارهایی است که تمیز خواننده دعوا بر مبنای آنها صورت می‌پذیرد. با توجه به موازین قانونی و آراء قضایی، ابطال‌ناپذیری معیارهایی که برای تمیز خواننده دعوا شناسایی گردیده، ثابت است.

## فهرست منابع

- اداره کل تدوین قوانین ریاست جمهوری، مجموعه آیین دادرسی مدنی، جلد اول، تهران، ۱۳۸۴.
- اداره وحدت رویه قضایی، مذاکرات و آراء هیأت عمومی دیوان عالی کشور در سال ۱۳۸۰، تهران، انتشارات روزنامه رسمی کشور، ۱۳۸۴.
- اداره وحدت رویه قضایی، مذاکرات و آراء هیأت عمومی دیوان عالی کشور در سال ۱۳۷۵، تهران، انتشارات روزنامه رسمی کشور، ۱۳۷۷.
- اجتهادی، عباس و دیگران، گزیده آراء دادگاههای حقوقی، جلد اول، تهران، نشر میزان، ۱۳۷۴.
- اسکینی، ربیعا، حقوق تجارت (شرکتهای تجاری)، جلد اول، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۷۵.

- امامی، سیدحسن، حقوق مدنی، جلد دوم، تهران، کتابفروشی اسلامیة، ۱۳۷۰.
- امامی، سیدحسن، حقوق مدنی، جلد چهارم، تهران، کتابفروشی اسلامیة، ۱۳۶۸.
- بازگیر، یدالله، قانون آیین دادرسی مدنی در آیینہ آراء دیوان عالی کشور، تهران، انتشارات فردوسی، ۱۳۸۱.
- بازگیر، یدالله، قانون مدنی در آیینہ آراء دیوان عالی کشور (صلح و اجاره)، تهران، انتشارات فردوسی، ۱۳۷۹.
- بازگیر، یدالله، منتخب آراء محاکم حقوقی، تهران، انتشارات بازگیر، ۱۳۸۲.
- بروجردی عبده، محمد، اصول قضایی - حقوقی، قسمت اول، بی‌نا، بی‌تا.
- بروجردی عبده، محمد، اصول قضایی - حقوقی، قسمت دوم، تهران، انتشارات رهام، ۱۳۸۲.
- بهشتی، محمدجواد و نادر مردانی، آیین دادرسی مدنی، جلد دوم، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۵.
- حسینی، سید محمدرضا، قانون مدنی در رویه قضایی، تهران، انتشارات مجد، ۱۳۷۹.
- ستوده تهرانی، حسن، حقوق تجارت، جلد دوم، تهران، نشر دادگستر، ۱۳۷۵.
- سنگلجی، محمد، آیین دادرسی در اسلام، قزوین، انتشارات طه، ۱۳۶۹.
- شمس، عبدالله، آیین دادرسی مدنی، جلد اول، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۰.
- شمس، عبدالله، آیین دادرسی مدنی، جلد دوم، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۱.
- شهری، غلامرضا و امیر حسین آبادی، مجموعه نظرهای مشورتی اداره حقوقی دادگستری در مسائل مدنی، تهران، انتشارات روزنامه رسمی کشور، بی‌تا.
- صبری، خلیل، روش دادرسی (حاوی تصمیمات دیوان عالی کشور از ۱۳۱۵ تا ۱۳۲۲)، تهران، بی‌نا، ۱۳۲۴.
- صدرزاده افشار، سیدمحسن، آیین دادرسی مدنی و بازرگانی، تهران، نشر جهاد دانشگاهی، ۱۳۷۲.
- طباطبایی حکیم، سیدمحسن، مستمسک العروه الوثقی، ج ۱۴، قم، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، ۱۳۷۰.
- عراقی، آقا ضیاءالدین، کتاب القضاء، قم، دفتر نشر اسلامی، ۱۴۱۴ ه.ق.
- عابدیان، میرحسین، در تکاپوی عدالت (آراء دیوان عالی کشور در امور مدنی)، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۸.
- عرفانی، توفیق، اسناد و دعاوی تجاری، جلد اول، تهران، انتشارات ققنوس، ۱۳۸۱.
- کاتوزیان، ناصر، حقوق مدنی (ایقاع)، تهران، نشر یلدا، ۱۳۷۰.
- کاتوزیان، ناصر، دوره مقدماتی حقوق مدنی (اموال و مالکیت)، تهران، نشر یلدا، ۱۳۷۴.
- کاتوزیان، ناصر، توجیه و نقد رویه قضایی، تهران، نشر دادگستر، ۱۳۷۷.
- کامیار، محمدرضا، گزیده آراء دادگاههای حقوقی، جلد دوم، تهران، نشر حقوقدان، ۱۳۷۵.
- کاتوزیان، ناصر، گزیده آراء دادگاههای حقوقی، جلد سوم، تهران، نشر حقوقدان، ۱۳۷۶.
- کریمی، عباس، آیین دادرسی مدنی، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۶.



- کیهان، مجموعه رویه قضایی از سال ۱۳۲۸ تا ۱۳۴۲، جلد دوم، ۱۳۵۳.
- متین، احمد، مجموعه رویه قضایی، قسمت حقوقی، از سال ۱۳۱۱ تا ۱۳۳۵.
- متین دفتری، احمد، آیین دادرسی مدنی، جلد اول، تهران، انتشارات مجد، ۱۳۷۸.
- متین دفتری، احمد، آیین دادرسی مدنی، جلد دوم، تهران، انتشارات مجد، ۱۳۷۸.
- معاونت آموزش قوه قضاییه، رویه قضایی ایران در ارتباط با دادگاههای عمومی حقوقی، ج ۴، تهران، انتشارات جنگل، ۱۳۷۸.

Campbell Black, Henry, *Black's Law Dictionary*, West Publishing Co., 1990.  
 Vincent, Jean & Serge Guinchard, *Procédure civile*, Paris, Dalloz, 25 ed, 1999.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
 پرتال جامع علوم انسانی

**JOURNAL OF**

# **LEGAL RESEARCH**

**VOL. IX, No. 2**

**2010-2**

**Articles**

- Reflections on Effective Criminal Convictions and their Consequences
- The Right to Defense of Accused in Administrative Contravention Settlement Board
- Determination of Defendant
- Legal Analyses of Medical Protections of Social Security Organization

**Special Issue: Citizens Right to Healthy Environment:  
Pollution of Iranian Large Cities**

- Sustainability of Urban Freight and Decreasing of Air Pollution: Environmental Ideal of Large Cities
- The Commitment to International Co-operation Countering Haze to Iran
- Deal with Electromagnetic Waves Pollutions in Metropolises
- Tehran Air Pollution and Citizen Rights on Healthy Environment
- The Effect of Intellectual Property Rights System on Metropolis Pollution
- Public Interest Litigation Concerning Environmental Matters before Human Rights Courts and National Courts
- The Right To Healthy Environment as a Hostage of Global Warming: Cancun Conference (2010)
- Right to a Healthy Environment in French Legal System

**Critique and Presentation**

- Economic Interest Grouping in the Fifth Development Plan

ISSN: 1682-9220



**S. D. I. L.**

**The S.D. Institute of Law**

Research & Study